

دکتر عبدالرفیع رحیمی

استادیار تاریخ دانشگاه بین المللی قزوین

رحیم عابدینی

فارغ التحصیل تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بین المللی قزوین

چکیده:

انقلاب اسلامی جنبش فراگیر و خیزش همگانی ملت ایران برای سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی بود که محدود به منطقه، شهر یا بخش خاصی نبود و آحاد ملت در پیروزی آن نقش داشتند. مردم ایلام در سال ۱۳۵۷ همگام و همگرا با دیگر مناطق ایران، علیه استبداد پهلوی به پا خاستند و از طریق راهپیمایی، تظاهرات و اعتصابات مخالفت خود را ابراز داشتند. نقش حلقه‌ی یاران امام در ایلام از یک طرف و فرهنگیان و روشنفکران به عنوان نماینده طبقه متوسط از طرف دیگر بسیار برجسته بود. ائتلاف بین این دو گروه به ساماندهی اعتصابات و اعتراضات منجر شد، که با مشارکت این دو گروه در ماههای سال ۵۷ به صورت واقعه‌ای روزانه درآمده بود، رویدادهای شهریور ماه که تظاهرات خونین شد به خاطر نوع بافت جمعیت و ترکیب قبیله‌ای آن، تمام مردم را به صحنه کشاند و کار ساواک و نیروهای انتظامی را برای مقابله با حرکت‌های انقلابی با مشکل مواجه کرد. سرانجام این ائتلاف و یکپارچگی مردم در مخالفت با رژیم شاهنشاهی سبب تحول و تغییر در جریان پیروزی انقلاب و نهادینه شدن نهادهای انقلاب در ایلام شد.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی، ایلام، روحانیون

در حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان روزهایی است که مشارکت همگانی باعث تاثیرگذاری درحیات سیاسی این مرز و بوم شده و به عنوان یک مقطع کارساز در تاریخ عمل کرده است. ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از این روزهاست. فروپاشی یک نظام قدرتمند سیاسی در جزیره ثبات منطقه و جابجایی سریع ارزش‌های حاکم بر جامعه چیزی نبود که به آسانی تحصیل شود، بلکه حاصل اشتراک مساعی و همگرایی عقاید و آرا در سراسر کشور بود. در واقع، مردم ایران آموخته بودند که «قطره با دریاست، اگر دریاست» لذا در یک فرآیند اتحاد همگانی، حادثه‌ای را که از مرداد ۱۳۵۶ آغاز شد و ریشه آن به سال‌ها قبل بازمی‌گشت؛ توانستند به سرانجام مقصود برسند. اگر چه کانون اصلی مبارزات در شهرهای مهم و پرجمعیت مانند تهران، اصفهان و قم و... بود اما سایر نقاط کشور نیز به نوعی و هر یک به سهم خود در این ماجرا به ایفای نقش پرداختند. و به اعتبار همین مشارکت همگانی مردم در اقصی نقاط کشور بود که امام خمینی در پاسخ به پرسش خبرنگار رادیو-تلویزیون آلمان در پاریس مبنی بر این‌که در ملاقات امینی با شاه- اگر او به نخست‌وزیری برسد، آیا به نظر شما این آخرین شانس برای نجات رژیم خواهد بود؟ چنین پاسخ گفت: «دیگر هیچ برای شاه، شانس بقا ندارد. همه ملت ایران در تمام شهرستان‌ها قیام کرده‌اند و با این قیام ملت، تا شاه نرود آرامش پیدا نخواهد شد و کسی نمی‌تواند شاه را نجات دهد. او چاره ندارد جز این‌که برود و ابر قدرت‌ها چاره ندارند جز این‌که با ملت ما مخالفت نکنند که اگر مخالفت کنند برای آن‌ها بدتر خواهد شد.» (یزدی، ۱۳۷۹: ۱۵۱) اگرچه با یک نگاه اجمالی به نظر می‌رسید مردم ایلام به علت دوری از کانون مبارزات و عدم آگاهی از سیر وقایع به طور جدی درگیر تحولات انقلابی نباشند، اما موقعیت خاص جغرافیایی ایلام در مجاورت با کشور محل تبعید امام خمینی و رفت‌وآمد مردم و خاصه روحانیون به آن‌جا منجر به شکل‌گیری حلقه‌ی روحانیون یاران امام شد. تاثیر تحرکات حلقه روحانیون و ائتلاف آنان با فرهنگیان که بر اثر رشد سواد اینک جمعیت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دادند، در آگاهی بخشی و هدایت مبارزات مردمی بر ضد رژیم به عنوان فرضیه برای پاسخ به این سوال در نظر گرفته شد که با توجه به پراکندگی کمی و کیفی جمعیت و نفوذ گسترده ساواک، انقلاب اسلامی در ایلام چگونه نفوذ و گسترش یافت و نقش مردم در فرایند انقلاب در این دیار چگونه بود؟ در این راستا پژوهش پیش‌روی با رویکردی تاریخی و در راستای کشف و ضبط فعالیت‌های انقلابی در ایلام به این مساله پرداخته است. در این پژوهش تمام داده‌ها متکی بر اطلاعات روزنامه‌ها و اسناد اعم از منتشر

شده یا منتشر نشده_ می‌باشد، که پس از گردآوری و استخراج اطلاعات، روند فرایند انقلاب در ایلام به صورت ماهانه و همراه با روند کلی انقلاب تنظیم شد. در تکمیل اطلاعات نیز مصاحبه‌های زیادی نیز صورت گرفت، اما حاصل جمع تمام داده‌های مصاحبه به صورت حضور در خیابان و شرکت در تظاهرات روزمره بود که اکثراً قابل تاریخ‌گذاری هم نیستند، با این وجود این پژوهش از داده‌های مصاحبه نیز بهره گرفته است.

فضای انقلابی در ایلام:

بی‌شک انقلابی که در سال ۱۳۵۷ روی داد حادثه‌ای آنی نبود که از مرداد سال ۱۳۵۶ شروع شده باشد، برای پی‌بردن به کُنه مطالب باید به سرآغاز و زمانی که نطفه انقلاب بسته شد، رجوع کرد. طبیعی است که در بررسی روند تحولات منطقه‌ای و مبارزات مردمی و نارضایتی‌هایی که منجر به انقلاب شد باید حوادث را از سال‌ها قبل نیز دنبال کرد تا بتوان به طور صحیح نقش آنان را در این تحولات پی‌گرفت. مردم این خطه اگر چه به دلیل خشونت اوضاع طبیعی و نبود خطوط ارتباطی مناسب، دوری از مرکز، کمبود امکانات برای دستیابی به اخبار و اطلاعات در آن زمان، به نظر می‌رسد که در جریان روند تحولات کشور نباشند، اما تمامی این مشکلات نتوانست آنان را از اشتراک مساعی با سایر مردم در راستای برقراری حاکمیت ملی، دور سازد. اولین اقدام آنان در راستای حمایت از دولت ملی در روز ۲۱ آذر ۱۳۳۰ و تعطیل عمومی شهر ایلام و ایراد سخنرانی از طرف اهالی مبنی به پشتیبانی از دولت ملی دکتر مصدق و ابراز احساسات و مخابره تلگراف به مقامات عالی‌رتبه دولت می‌باشد. (سازمان اسناد ملی ایران، ش. بازیابی ۴۰۳۶-۲۹۰). کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بازگشت دوباره شاه به سلطنت را در پی داشت، و شاه نجات تاج و تخت شاهانه خود را مدیون آمریکا می‌دانست و از آن زمان شاه «آمریکایی» لقب گرفت (میلانی، ۱۳۸۱: ۹۵) و برای همیشه مشروعیت سیاسی خویش را از دست داد. از آن زمان مبارزه مردم به انحاء مختلف علیه شاه ادامه یافت. ظلم و ستم و دروغ پردازی‌های ساواک و دیگر نهادهای رژیم پهلوی به مردم به ویژه به ایلات و عشایر استان فشارهای مضاعفی بر مردم محروم این منطقه وارد می‌کرد. ساواک خود اعتراف می‌کند که ارگان‌هایی مثل شهربانی و ژاندارمری به مردم ظلم و ستم روا داشته‌اند. (سازمان اسناد انقلاب اسلامی، ش. بازیابی: ۹۰-۱۶۰۰) این فشارها و ظلم و ستم‌های فزاینده نیروهای دولتی و امنیتی رژیم، باعث عکس‌العمل مردم شد. گروه کثیری از مردم که به شدت از اعمال ظالمانه عمال حکومتی آزرده خاطر بودند، با هر کسی که علم مبارزه

با رژیم پهلوی را بلند می‌کرد همکاری می‌کردند، بنابراین در اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی بسیاری از جوانان ایلات و عشایر ایلام به نیروهای تیمور بختیار در عراق پیوستند. به دنبال خروج بختیار از کشور و رفتن به عراق، پایگاه فعالیت ضد رژیم را در آنجا بنیان نهاد و به شدت و جدیتی تمام مشغول اعمالی گردید که هدف از آن‌ها براندازی رژیم شاهنشاهی بود (تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۳) افرادی که به نیروهای تیمور بختیار می‌پیوستند در پادگان‌های عراقی و به خصوص در نواحی عماره تعلیمات چریکی را فرا می‌گرفتند این افراد عمدتاً از طوایف پشتکوه و کلهر و طوایف اطراف اندیمشک بودند. (همان: ۳۵۸) در یک سلسله عملیات، ساواک به شناسایی و دستگیری ۲۰۰ نفر از اهالی ایلام اقدام که از این تعداد ۸۶ نفر ضمن بازجویی‌های معمول اعتراف نمودند که به طور غیرمجاز و در پوشش تحصیل کار به کشور عراق رفته و دوره‌ی تعلیمات چریکی را طی نموده و به ایران نفوذ کرده‌اند (سازمان اسناد انقلاب اسلامی، ش بازپایی: ۱۱۷-۱۶۰۰) این افراد حتی بعضی پاسگاه‌ها را خلع سلاح کرده و در یک مورد یکی از پاسگاه‌های ژاندارمری حوزه استحفاظی دهلران را محاصره نموده، یک نفر ژاندارم را کشته و ۱۱ نفر را دستگیر کرده و با خود برده‌اند (همان، ش بازپایی: ۸۵-۱۶۰۵). به دنبال مبارزه‌ی عشایر در مناطق مرزی و ایجاد ناامنی، ساواک شدت عمل بیشتری در قبال مبارزات عشایر نشان داد و البته به دنبال قتل تیمور بختیار مبارزه مردم ایلام کم‌رنگ شد و شکل دیگری به خود گرفت. در صحنه‌ی داخلی و طی سالهای بعد از کودتای ۱۳۳۲ روابط شاه با علما اگرچه چندان خوب نبود، ولی مسالمت‌آمیز بود. اما به دنبال پیشنهاد لایحه ارضی ۱۳۳۹ و مرگ آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، این رویه مسالمت‌آمیز خاتمه یافت. از رحلت آیت‌الله بروجردی تا سال ۱۳۴۲ فصل نوینی در تاریخ مبارزات مردمی بر ضد استبداد پهلوی با واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ورق خورد. راهپیمایی مردم ایلام در روز ۱۵ خرداد نمایان‌گر همبستگی مردم این دیار با سایر انقلابیون کشور است. (علیزاده و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۹۱) با سرکوب قیام ۱۵ خرداد و تبعید آیت‌الله خمینی به عراق، اعتراض علیه رژیم، منحصراً به اعلامیه‌هایی بود که از سوی آیت‌الله خمینی، جوامع ملی و مذهبی، دانشگاه‌ها و مدارس عالی و دیگر گروه‌ها انتشارات می‌یافت. اما استان ایلام به دلیل داشتن مرزهای طولانی با عراق و حضور آیت‌الله خمینی در این کشور حساسیت ویژه‌ای برای ساواک داشت و اعمال و کردار طرفداران آیت‌الله خمینی و بخصوص روحانیون را به شدت زیرنظر داشت. در سندی به شماره ۵۱-۱۰-۵۲۴ از شهربانی گزارش شده، آمده است:

«بازگشت به برگ خبر شماره ۶۷۱-۵۲۴ مورخه ۵۱/۴/۲۴ دستور دهید به طور غیرمحمسوس اعمال و رفتار نامبردگان را تحت کنترل و مراقبت کامل قرار داده و در صورتی که رساله و یا اعلامیه‌هایی که مربوط به خمینی باشد از نامبردگان کشف شد متخلفین را به ساواک تحویل داده و نتیجه را گزارش کنید.» (امام در آینه اسناد ساواک به روایت شهربانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۲۰۲)

اما با وجود این سخت‌گیری پایه یک ایدئولوژی همگرایانه‌ی اعتراضی به نام اسلام تشیع ریخته شد که به شکل‌گیری حلقه‌های یاران امام در شهر ایلام منجر شد. که در سال ۵۷ از تربیون مساجد به تحریض و تحریک مردم علیه عمال رژیم می‌پرداختند و خود نیز همراه مردم و پیشاپیش آنان در تظاهرات ضد رژیم پهلوی شرکت می‌کردند. همین حلقه یاران امام بود که از ماه‌های سال ۱۳۵۷ و به‌خصوص ماه‌های منتهی به انقلاب در تحریک مردم و برپایی فراندوم‌های خیابانی نقش اساسی ایفا کردند.

حلقه یاران امام در منطقه:

الف) شیخ محمد تعمیر کاری

حجت‌الاسلام شیخ محمد تعمیرکاری از یاران مبارزی است که به سبب مجاهدت‌های مجدانه، بیش از یک دهه تحت تعقیب ساواک و نیروهای امنیتی بود و زجر زندان و تبعید را بارها بر خود هموار کرد. حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد (جهانبخش) تعمیرکاری در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در شهر ایلام به دنیا آمد و در ۲۲ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد. در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ در جلسات سخنرانی آیت الله خمینی که بر ضد رژیم و تصویب کاپیتولاسیون ایراد می‌شد با نهضت ایشان و روحانیت انس گرفت و به فعالیت مبارزاتی پرداخت. (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰، ج ۴۳: ۱۵-۱۴) تعمیرکاری در تاریخ ۱۳۴۶/۵/۲۵ اولین بازداشت خود را توسط شهربانی ایلام تجربه کرد. ایشان در اربعین سال‌های ۴۵ و ۴۶ به قصد زیارت عتبات عالیات و دیدار با آیت الله خمینی عازم مهران و با مساعدت مردم منطقه از مرز خارج می‌شود و در آن‌جا با آیت الله خمینی دیدار می‌کند و جریان این سفر که مورد حساسیت ساواک قرار می‌گیرد به همراه وعظ و خطابه در منبر و دعا برای آیت الله، منجر به دستگیری وی در تاریخ فوق می‌شود. (همان: ۱۵) در اثر فعالیت‌های سیاسی تعمیرکاری در ۱۳۵۲ به بافت کرمان تبعید شد و در آن‌جا نیز بر اثر فعالیت‌های تبلیغی به زندان می‌افتد. (همان: ۳۵) با بازگشت ایشان به ایلام و علی‌رغم ممنوع‌المنبر بودن، در تاریخ ۱۳۵۶/۹/۲۹ در مسجد جامع شهر ایلام با حضور عده‌ی کثیری به منبر

رفته و سیاست‌های کارتر و شاه را زیر سؤال می‌برد و در ضمن هنگامی که آیت‌الله حشمت پرتوی چترآبگون برای خاندان سلطنت دعا می‌نموده است دستگاه آمپلی‌فایر را خاموش می‌کند. لذا در تاریخ ۵۶/۱۰/۳۰ دستگیر می‌شود و به شهرستان مشکین‌شهر تبعید می‌شود. در پی مبارزات وی و تماس وی با روحانیون محل و تحریض آنان پس از هفت‌ماه اقامت اجباری در مشکین‌شهر به شهرستان ایذه تبعید می‌شود. (همان: ۲۳۷) با اوج‌گیری راهپیمایی‌های مردمی از مهرماه ۱۳۵۷ در ایلام، آزادی‌های زندانیان سیاسی، به ویژه شیخ محمدتعمیرکاری جزو یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های تظاهرات کنندگان به شمار می‌رود که اعتصاب عمومی شهر را در پی داشت، به دنبال آن وی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۵ به ایلام بازگشت. بعد از پیروزی انقلاب، وی نیز در صف مقدم مجاهدان قرار گرفت و تا پایان دوران دفاع مقدس به طور متناوب در جمع رزمندگان اسلام در جبهه‌ها حضور داشت. وی علاوه بر تبلیغ معارف اسلامی در استان، سالهای متمادی روحانی کاروان حجاج ایلامی بود و از سال ۱۳۷۲ تا پایان عمر، امام جمعه موقت ایلام بود.

ب) آیت‌الله عبدالرحمان حیدری ایلامی:

شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی به سال ۱۳۰۴ شمسی در شهر ایلام دیده به جهان گشود. تحصیلات را تا ششم ابتدایی نظام قدیم ادامه داد و سپس در کسوت معلمی به تدریس مشغول شد. با دیدن رویایی در خواب، مسیر زندگی خود را تغییر می‌دهد و به دنبال آن به کربلا مهاجرت می‌کند. (حیدری، ۱۳۷۹: ۸) با آغاز نهضت روحانیت در ایران و تبعید آیت‌الله خمینی به نجف اشرف، وی در بحث «ولایت فقیه» آیت‌الله خمینی نیز شرکت می‌کند و همین درس افقی فراروی وی می‌گشاید، درخواست کرده‌های فیلی بغداد از او به سال ۱۳۵۰ شمسی برای ارشاد و تبلیغ در مسجد ابوسیفین، دستگاه امنیتی عراق را مجبور به خروج وی از عراق کرد و او را به پاسگاه‌های ایرانی تحویل می‌دهند. او پس از ورود به ایران، راهی شهر قم می‌شود اما با درخواست مردم و روحانیت در تبعید ایلام به زادگاهش باز می‌گردد. با ورود آیت‌الله حیدری در سال ۵۴ به شهر ایلام، انقلاب و نهضت روحانیت در این منطقه جلوه‌ی تازه‌ای به خود می‌گیرد. (همان: ۱۰) برخورد شایسته و محترمانه وی با کارمندان دولت و حتی نیروهای انتظامی برای جذب آنان همزمان با تظاهرات علیه حکومت پهلوی باعث شد تا با پیروزی انقلاب اسلامی، بافت اداری استان با حفظ اسناد و مدارک در خدمت انقلاب باقی بماند پس از تشکیل شورای انقلاب و هماهنگی با آیت‌الله بهشتی ماه‌ها جریان انقلاب را در استان ایلام هدایت کرد. (همان: ۱۱)

ج) حجت الاسلام و المسلمین عباس سلطانی:

ایشان در خرداد ماه سال ۱۳۲۲ در روستای شم‌آباد از توابع سبزوار خراسان به دنیا آمد. پس از طی مدارج مقدماتی حوزوی در مشهد، راهی قم شد و با پیروی از آیت الله خمینی زندگی سیاسی و مبارزاتی خود را نیز آغاز کرد. پیام‌رسانی انقلاب و نهضت روحانیون در سفرهای تبلیغاتی ایشان به شهرهای مختلف چون کرمانشاه و ایلام، رابطه او با مردم محروم و با صداقت منطقه غرب موجب شد تا این روحانی در ایلام ماندگار شود. (زندگی‌نامه و وصیت‌نامه مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس سلطانی) با اوج‌گیری مبارزات ملت مسلمان ایران و شدت گرفتن تظاهرات مردم علیه حکومت پهلوی، نقش حضور وی در استان ایلام و انسجام بخشیدن به حرکت‌های مردمی بسیار مهم و تعیین‌کننده بود به گونه‌ای که ایشان به عنوان بازوی توانمند و دست راست آیت‌الله حیدری ایلامی در اداره و رهبری انقلاب در ایلام شناخته شد. (همان) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط ارکان پهلوی در ایلام، ایشان به عنوان حاکم انقلاب در شهر مرزی و حساس مهران از سوی آیت‌الله حیدری منصوب شد.

د) حجت‌الاسلام محمد تقی مروارید:

از دیگر روحانیون این خطه می‌باشد که در کنار سایر روحانیون ایلامی و تبعیدی در این استان، تلاشی در خور تأمل داشته است. ایشان در سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد به دنیا آمد. از محضر اساتیدی چون آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی، آیت‌الله وحید خراسانی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله منتظری استفاده کرد. در سال ۱۳۲۷ برای تبلیغ و ترویج دین به ایلام آمد. (خبرگان ملت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۱۰) در موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اعتراض مردم ایلام به انجمن‌های ایالتی و ولایتی و حمایت از مراجع را به امضای عده‌ای از اهالی شهر به قم مخابره می‌کند و از آن پس تحت نظر ساواک قرار می‌گیرد. اولین بار در سال ۱۳۴۲ توسط ساواک دستگیر می‌شود. بعد از دستگیری مجدد به زندان می‌رود. در سال ۱۳۵۷ بار دیگر دستگیر می‌شود و به تهران فرستاده می‌شود و به زندان کمیته شهربانی تحویل داده می‌شود. در همین مدت زندان در تهران با آقایان هاشمی رفسنجانی، منتظری و طالقانی و سیدجلال طاهری آشنا می‌شود. در ایام زندگی در ایلام چندین بار به عتبات عالیات سفر می‌کند و به مدت چندین ماه در درس آیت‌الله خمینی شرکت می‌کند و به تبلیغ نهضت در ایلام می‌پردازد. (همان: ۵۱۵-۵۱۱) در کنار روحانیون بومی، روحانیون تبعیدی دیگر از جمله شیخ کافی که در نیمه سال ۱۳۵۴ به ایلام تبعید شد، (مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، ش.بازابی (۱۱۵-۱۳۱۲) در تحریک و تحریض مردم و با تأکید بر باورها و خاصه نمادهای مخالفت و مقاومت در برابر ستمگران داخلی و سلطه‌گران خارجی از هر دو به عنوان سرچشمه‌های بسیج توده‌های مردم (فوران، ۱۳۸۶: ۵۴۲) در راه‌اندازی تظاهرات علیه رژیم شاه نقش اساسی داشتند.

بازتاب رویدادهای انقلاب در ایلام:

برپایی مراسم چهلم در فرهنگ سنتی ایرانیان از دیرباز وجود داشته است. در روند انقلاب اسلامی این آیین کهن، آگاهانه شکل سیاسی به خود گرفت، به طوری که چهلم هر یک از شهدای حوادث، منجر به شعله‌ورتر شدن انقلاب در دیگر نقاط و بسط فرهنگ مبارزه، جهاد و شهادت شد. از نتایج پربار این مراسم چهلم، رشد آزادی و بیداری مردم، جوانه زدن نفرت در وجود مردم بود. ستار شهبازی فر از شرکت کنندگان اصلی در تظاهرات که در چندین نوبت زندان را تجربه کرده است در مورد شروع و کارکرد این مراسمات، سوم، هفتم، چهلم می‌گوید: « فوت فرزند امام خمینی در نجف اشرف و برگزاری مراسم آن در ایلام نقطه شروع حلقه‌های اعتراض علیه رژیم بود و با برگزاری مراسم سوم، هفتم، چهلم در مسجد جامع شهر ایلام نخستین گفتمان‌های اعتراض شکل گرفت». (مصاحبه با ستار شهبازی فر، ۹۱/۶/۲۷)

به دنبال شکل‌گیری کانون‌های اعتراضی و اعلان مبارزه‌ی دیگر شهرها توسط روحانیون از تربیون نماز مسجد جامع مردم ایلام نخستین اقدام همدلانه و همگام در راستای مبارزه علیه رژیم پهلوی، را با برگزاری مراسم چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز در شهر ایلام برپا کردند. به دنبال صدور اعلامیه‌های پی‌درپی به منظور گرامیداشت چهلم شهدای وقایع دهم فروردین ماه ۱۳۵۷ در شهرهای یزد، جهرم و اهواز، در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۹ مجالس یادبود در ایلام برگزار شد. در این روز، حدود ۲۰ درصد از مغازه‌های شهر ایلام به منظور همدردی با شهیدان حوادث شهرهای فوق تعطیل شد و در ساعت ۱۷ همان روز مجلس یادبودی با شرکت عده‌ای در منزل یکی از روحانیون ایلام برگزار گردید و پس از خاتمه مراسم، شرکت کنندگان متفرق شدند. افزون بر این، در همان شب، تعدادی اعلامیه دست‌نویس که در آن به مقامات عالی‌ه مملکت اهانت و از مقتولین و آیت‌الله خمینی تجلیل شده در خیابان‌های شهر ایلام پخش شد. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۲۱) به دنبال تظاهرات مردم، عده زیادی از تظاهرکنندگان توسط عوامل دولتی دستگیر شدند. (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۷/۲/۲۱: ص ۱۳) برگزاری این مراسم و ساماندهی اولین

تظاهرات توسط روحانیون علیه حکومت پهلوی اولین قدم در جهت اثبات فرضیه اصلی تحقیق می‌باشد. به هر حال، اقدام ناخبردانه رئیس شهربانی ایلام، سرهنگ امیر طاهری در تراشیدن اجباری ریش ۴ نفر جوان دستگیر شده اثر نامطلوبی در بین مردم به جا گذاشت. ساواک در این خصوص گزارش می‌دهد که این اقدام: «اثر بسیار نامطلوبی بین روحانیون و متعصبین مذهبی به وجود آورده، و این عمل را توهین بزرگی نسبت به خود می‌دانند، به نحوی که شیخ عبدالرحمان حیدری پیش‌نماز ایلام، رئیس شهربانی را به خاطر کاری که انجام داده، به تأثیر نامطلوب و عواقب آن و کشت و کشتار تهدید نموده است.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۲) اقدام ساواک «نفرت» را که به اعتقاد ناصرکاتوزیان عامل مشترک در انقلاب ایران بود، (کاتوزیان، ۱۳۶۰: ۳) تشدید کرد. لذا در ادامه فعالیت‌های ضد رژیم، پخش «نوار سخنرانی روحانیون مخالف و یا اعلامیه و کتب مضره» شتاب بیشتری گرفت. ساواک ایلام در تاریخ ۱۳۵۷/۳/۸ عده‌ای را به این اتهام بازداشت کرد. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۱۲۷) روز ۱۵ خرداد سال ۱۳۵۷ به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در ایلام تمام مغازه‌ها به استثنای مغازه‌های فروشنده مواد غذایی و داروخانه‌ها تعطیل گردید. (همان: ۲۶۴)

آغاز اعتراضات ائتلافی:

تا آغاز تیرماه و شروع تظاهرات همگانی، بیشتر راهپیمایی‌ها در اطراف مساجد و حوزه‌های علمیه و دانش‌آموزان و دانشجویانی که با مساجد و روحانیون سروکار داشتند، برگزار می‌شد. با شروع تظاهرات تیرماه، طبقه کارگر صنعتی و پایین‌ترین قشر آن یعنی کارگران ساده، و به ویژه کارگران ساختمانی، دست‌فروشی‌ها، کارکنان موقت، وارد تظاهرات شدند، بخش اعظم این گروه به واسطه نداشتن مهارت و سواد کافی، روزگاری در مزارع مشغول به کار بودند و بخش اعظم جمعیت شهر ایلام را که در سرشماری ۱۳۳۵، ۸۳۴۶ نفر بود (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، حوزه سرشماری ایلام، مقدمه). و در سال ۱۳۵۵ به ۴۸۷۱۲ رسیده بود، (مرکز آمار ایران، سرشماری، عمومی نفوس و مسکن، آبان‌ماه ۱۳۵۵، شهرستان ایلام، مقدمه.) تشکیل می‌دادند. این گروه کارگر مهاجر حاشیه‌نشین شهری از جهت فعالیت‌های سیاسی عموماً غیرفعال، اما دارای تعهدات و باورهای مذهبی عمیقی بودند. تنها مجرای ارتباطی آنان با سایر اقشار جامعه از طریق حضور در مسجد و یا تکیه محل بود که امکان پیوستن آنان را به تظاهرات فراهم می‌آورد (میلانی، همان: ۱۲۸) به هر حال، با پیوستن کارگران ساده، مردم ایلام در یازدهم

تیرماه ۱۳۵۷ نخستین بار تظاهرات جدی را علیه رژیم پهلوی برپا کردند. تظاهرکنندگان، به ساختمان سازمان دفاع غیرنظامی ایلام واقع در خیابان خیام با پرتاب سنگ حمله کردند. پس از شکستن تعدادی از شیشه‌های ساختمان و «دادن شعارهایی به نفع [آیت‌الله] خمینی و اهانت به [شاه]» با مداخله ی پلیس متفرق شدند. افراد شناخته شده در این تظاهرات عبارت بودند از حمید دادوند، علی دشتی‌پور، محصل سال آخر هنرستان، صادق لطفی محصل سال دوم نظری و ستار شهبازی [فر]، دیپلم دانشسرای اهواز (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹، ج ۷: ۳۸۵) از شاخص‌ترین چهره‌ی اعتراضات یازدهم تیرماه به روایت گزارش ساواک ستار شهبازی فر می‌باشد. ایشان متولد ۱۳۳۶ در شهر ایلام و هم‌اکنون دبیر بازنشسته‌ی آموزش و پرورش است در باره‌ی چگونگی برگزاری راهپیمایی‌ها و شرکت در تظاهرات می‌گوید:

«در ایام تحصیل در دبیرستان به همراه عده‌ای دیگر از طریق شیخ نقی لطفی از اهالی ایلام و طلبه‌ی مسجد حاج شهباز خان کرمانشاه با افکار و رسالات امام آشنا شدیم و پس از دستیابی به رساله‌ی امام به پخش مخفیانه‌ی آن در بین مردم اقدام می‌کردیم.» او می‌گوید: «با مطالعه‌ی رسالات مراجع تقلید و بخصوص رساله‌ی امام، افکار اعتقادی و مبارزاتی و عدالت طلبی چنان در وجود ما عجین می‌شد که در هر مبارزه و راهپیمایی، نه تنها از اهدای جان خود ابا نداشتیم بلکه فکر کردن به آن مسرت خاطر ما را فراهم می‌آورد.» (مصاحبه با ستار شهبازی فر، ۹۱/۶/۲۷) در ادامه‌ی تظاهرات در مرداد ۱۳۵۷ مردم ایلام در دو نوبت مبادرت به تظاهرات گسترده علیه رژیم پهلوی نمودند، در این تظاهرات، تعدادی از شعب بانک‌ها و ادارات دولتی آسیب دیدند.

در نهم مردادماه ۱۳۵۷ عده‌ای در حدود «۵۰۰۰ نفر» از اهالی ایلام، در حوالی مسجد جامع شهر اجتماع کردند. که با تشویق و تهییج روحانیون جمعیت به دادن شعار به نفع امام خمینی پرداختند، تظاهرات که با مقاومت نیروهای انتظامی مواجه شد به خشونت گرایید، در نتیجه، دو نفر از مأموران انتظامی به علت اصابت گلوله از ناحیه دست زخمی شدند. این تظاهرات تا بعدازظهر دهم مرداد ۵۷ ادامه داشت. سرانجام مأموران شهربانی با کمک مأموران ژاندارمری و شلیک هوایی، تظاهرکنندگان را متفرق کردند در جریان این رخداد عده‌ای از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰، ج ۸: ۱۴۲-۱۴۱) به دنبال این تظاهرات، شورای فوق‌العاده هماهنگی منطقه تشکیل، و تصمیم گرفته شد برای جلوگیری از حوادث احتمالی از تیپ شاه‌آباد غرب تقاضای اعزام یک گروهان سرباز شود. (همان) در روز ۱۰ مرداد ۵۷، عده‌ای

ناشناس به یک دستگاه اتومبیل گشت شهربانی در خیابان خیام ایلام حمله کردند و شیشه‌ی جلو اتومبیل را شکستند. مأموران سرنشین اتومبیل، به سوی مهاجمان تیراندازی کردند و یک نفر از آن‌ها را از ناحیه پا مجروح کردند، اما به اتفاق دیگر مهاجمان متواری شد. (همان: ۱۴۲) در گزارش ساواک چنین آمده است: «روز ۵۷/۵/۱۹ حدود ۵۰۰ نفر از قشریون در شهر ایلام به تظاهرات اخلاالگرانه مبادرت کردند و با حمله به تعدادی از سازمان‌های دولتی و برخی از مراکز دیگر شیشه‌های آن را شکسته‌اند [شکستند] که با دخالت مأمورین انتظامی متفرق شدند در جریان تظاهرات اخلاالگرانه‌ی فوق از سوی اخلاالگران با تفنگ شکاری به سوی مأمورین تیراندازی شد که دو نفر از مأمورین مجروح و سه نفر در اثر اصابت سنگ‌هایی که از طریق اخلاالگران پرتاب شده، مصدوم گردیده‌اند.» (روزنامه اطلاعات، ۵۷/۵/۲۲: ص ۲) اگر چه باتوجه به گسترده شدن دامنه‌ی تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها، مقامات امنیتی به ضرورت شرایط سیاسی برآن بودند تا در گزارش‌های خویش وقایع را کوچک و کم‌اهمیت جلوه دهند چنان‌چه در تظاهرات تیرماه چهره‌ی شاخص این راه‌پیمایی را به ۲ یا ۳ نفر محصل محدود می‌کنند و تظاهرات مردادماه را عده‌ای قشری و اخلاالگر معرفی می‌کنند ولی واقعیت نشان می‌دهد که روحانیون با استفاده از نمادهای اسلام ظلم ستیز و با استفاده از تریبون‌های تبلیغاتی آن یعنی مساجد و تکایا توانستند تظاهراتی را در تیرماه ترتیب دهند که شدت و دامنه این اعتراضات به حدی است که شورای فوق‌العاده‌ی هماهنگی را مجبور به «تقاضای تجدید مأموریت گروهان اعزامی از لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه» می‌نماید. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش.بازیابی ۵-۱۷۴۴)

شهریور ۵۷ و مبارزه‌ی خونین:

شهریور ۱۳۵۷ سرآغاز مرحله‌نوبتی از تاریخ مبارزات نیروهای مردمی و مذهبی ایلام است. مبارزه‌ی آنان که با دستگیری و تبعید، همگام با دیگر شهرها شروع شده بود، در این ماه به مبارزه‌ی خونین تبدیل شد و نخستین شهدای مردم ایلام تقدیم انقلاب شدند. ریخته شدن خون مردم، مبارزه را در میان آنان رواج تازه‌ای بخشید. به عبارت دیگر، اگر تا این زمان روحانیون و افراد سرشناس، حرکت‌ها را راه‌اندازی می‌کردند. ولی از این ماه به بعد مراسم و مجالس ختم هفته و چهلم خود حرکت‌آفرین شدند بافت قبیله‌ای ایلام و پیوند خانوادگی فراوان میان دودمان‌ها که همه‌ی مردم را به هم مربوط می‌ساخت، در برپایی گسترده این‌گونه مراسم یا به تعبیر دیگر «کشاندن مردم به صحنه مبارزه» نقش مهمی داشت.

۹ تا ۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۷ اوج مبارزات خونین مردم ایلام در این ماه است. در روز نهم شهریور ۱۳۵۷ پس از سخنرانی مهیج شیخ عبدالمحمود عبداللهی اصفهانی در مسجد جامع شهر ایلام، حدود ۲۰۰۰ نفر از جوانان شهر ایلام که در گزارش مهندسی شده ساواک سن آنها کمتر از ۱۸ سال ذکر شده، پس از خروج از مسجد به دادن شعارهایی علیه رژیم پهلوی و تظاهرات خیابانی مبادرت کردند. عبدالمحمود عبداللهی اصفهانی فرزند محمدعلی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم وارد شد. در جریان تبلیغ مبارزات ضد رژیم شاه به ایلام و چند شهر دیگر سفر کرد و بارها تحت تعقیب قرار گرفت، ایشان نماینده دوره‌ی چهارم مردم اصفهان در مجلس خبرگان است. (<http://www.khobreganrahbari.com>) به هر حال پس از سخنرانی ایشان، تظاهرکنندگان در خیابان برق، شیشه‌های ساختمان دادگستری و فرهنگ و هنر را شکستند، یک بطری حاوی مواد آتش‌زا را به داخل ساختمان فرهنگ و هنر پرتاب کردند که بلافاصله خاموش شد در این رخداد مأموران انتظامی تظاهرکنندگان را متفرق و پنج نفر از آنها را دستگیر کردند. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۶/۹: ص ۳؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱ ج ۱۰: ۳۰۸) در روز سیزدهم شهریور ۵۷، تظاهرات خونینی در شهر ایلام برپا شد. در این تظاهرات مردم ایلام نخستین شهدای خود را تقدیم انقلاب کردند. هم‌چنین در این تظاهران مردم به انتقام خون شهداء دو مأمور انتظامی را به قتل رساندند و چهار نفر از آنان را زخمی کردند. شهربانی ایلام در خصوص این تظاهرات، چنین گزارش می‌دهد:

«در مورخه ۵۷/۶/۱۳ شرکت کنندگان نماز عیدفطر پس از خروج از مسجد جامع با تمهید قبلی و ادای شعائر ضدملی، با چوب و سنگ شیشه‌های دادگستری را شکسته، به طرف خیابان عبداللهی حرکت می‌کنند. یاسین عبداللهی، ضمن دادن شعار ضدملی و فحاشی به کد (۶۶) [شاه] و شعار به نفع [آیت‌الله] خمینی تظاهرکنندگان را رهبری می‌کرد. پس از تخریب ساختمان‌خانه فرهنگیان به خیابان خیام وارد و به مؤسسات دولتی حمله‌ور [شدند]. [سپس] شیشه‌های بانک ملی را شکسته و به طرف اکیپ مأموران مستقر در میدان رضاشاه و به سرپرستی سرکار ستوان عمادی‌پور که برای حفظ ابنیه‌ی دولتی و کنترل اغتشاشات گمارده شده بود حمله کردند. تظاهرکنندگان که با مقاومت مأموران عقب‌نشینی می‌نمایند و با مأموران کمکی که با جیب‌لندور ... به سرپرستی سرکار ستوان شریفی که برای کمک عازم بودند، در تقاطع خیابان عبداللهی خیابان خیام مواجه می‌شوند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۴۴۲) چهره مبارز و پرحرارت روز تظاهرات خونین، اکرم و یاسین عبداللهی می‌باشند که با تفنگ شکاری (پنج تیر پران) اتومبیل‌گشتی فوق را هدف قرار داده،

و به تلافی خون شهیدان ۱. شیرزاد عبدالهی ۲. امیر پورصفری ۳. اسد شیرخانی، دو نفر از مأمورین پاسبانی به اسامی موسی ابراهیمی و کارآموز پاسبان حشمت‌الله پورنظریگی را به قتل می‌رسانند و ۳ نفر دیگر به نام‌های ۱. پاسبان قیصر ناصری ۲. پاسبان محمد رشیدی ۳. پاسبان رحم‌خدا رحمتی به سختی مجروح و یک نفر کارآموز دیگر دچار ناراحتی روانی می‌شود. (همان)

شیرزاد عبدالهی در سال ۱۳۰۸ در شهر ایلام متولد شد. با فقر خانواده توانست دوره‌ی نوجوانی را پشت سر بگذراند، بخاطر علقه‌های مذهبی از حکومت طاغوت متنفر بود و همواره در جلسات مذهبی شرکت فعال داشت با وزیدن نسیم انقلاب، وی به صف مبارزان می‌پیوندد و عاقبت در تاریخ سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ در تظاهراتی که بعد از نماز عید فطر برگزار شد بر اثر اصابت گلوله ماموران رژیم به شهادت می‌رسد. (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران)

امین پورصفر در اولین روز از ماه مهر ۱۳۳۵ به دنیا آمد. با موفقیت دوران تحصیل را به پایان رساند و موفق به اخذ دیپلم گردید. شهید در دوران نوجوانی علاقه شدید به سخنرانی‌های امام داشت و در زمان طاغوت به عنوان یک مجاهد انقلابی در توزیع پیامها و نوارهای سخنرانی امام نقش مهمی ایفا می‌کرد. وی به عنوان کارمند اداره‌ی دارایی مشغول به کار بود و در تظاهرات خیابانی علیه رژیم در تاریخ سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. (همان)

اسد شیرخانی در یکی از روزهای سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای مذهبی و متدین پا به عرصه‌ی وجود نهاد. در اوج خفقان رژیم پهلوی در تظاهرات خیابانی شرکت فعال داشت. در سال ۱۳۵۴ به استخدام اداره‌ی برق شهرستان ایلام درآمد، اسد شیرخانی سرانجام در تاریخ سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ در تظاهرات خیابانی شهر ایلام علیه رژیم پهلوی به همراه سایر شهدای انقلاب به دیار معبود شتافت. (همان)

به دنبال این حادثه، بی‌درنگ از طرف تیپ شاه‌آباد، یک گروهان نظامی با ده فروند هلی‌کوپتر وارد شهر ایلام شدند و اوضاع شهر را به دست گرفتند در گزارش ساواک آمده است:

«در ساعت ۱۸ روز ۱۳/۶/۲۵۳۷ [۵۷] بنا به درخواست شویای تأمین استان، یک گروهان از تیپ شاه‌آباد با استعداد صدوشصت نفر به فرماندهی سرکار سرگرد علی کیانفر به منظور تقویت یگان مربوط با ده فروند هلی‌کوپتر به ایلام وارد شدند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۴۴۲) در روز شانزدهم شهریور، بازاریان ایلام در همگامی با اعتصاب عمومی محل کسب

خود را باز نکردند و شهر به صورت تعطیل درآمد و شهر روزی آرام و بدون تظاهرات را پشت سر گذاشت. (روزنامه کیهان، ۱۶/۶/۱۳۵۷:ص ۲) به دنبال این‌گونه حوادث در شهر ایلام ساواک با کمک نیروهای اعزامی از شاه‌آباد غرب کنترل شدیدی بر ایلام اعمال می‌نماید، اما با شروع ماه مهر و ورود فرهنگیان و دانش‌آموزان به عنوان قشر روشنفکر جامعه ایلام آن‌روز، کار بر ساواک سخت می‌شود.

مهرماه و تحولی جدید:

با گسترش روند انقلاب و تأکید هر چه بیشتر بر مضامین شوربرانگیز تشیع علاوه بر کارکرد هیجان و شور انقلابی در افراد آنها را به پیوستن به یک «ما» فرا می‌خواند، این ایدئولوژی هم‌چنین مردم را به گردهمایی در یک مجمع فرامی‌خواند و پیشنهاد می‌کرد که اختلافات و مناقشات را در پرده‌ی استتار نگه دارند که باعث می‌شد به گروه روحیه و احساس قوی و استوار ارائه بدهد. (روشه، ۱۳۸۷: ۹۴) این احساس جمعی سبب شد که با شروع ماه مهر دانش‌آموزان و فرهنگیان را که به نظر هانتیگتون: «منسجم‌ترین و مؤثرترین نیروهای انقلابی در درون جامعه روشنفکری‌اند» (به نقل از میلانی، همان: ۱۲۸) و در تمام حرکت‌های اجتماعی عمده پس از جنگ جهانی دوم، دانش‌آموزان ایرانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند (همان)، این بار شاهد حضور و تأثیرگذاری آنان در انقلاب اسلامی باشیم. نیمه دوم سال ۱۳۵۷ انقلاب در ایلام از مساجد به مدارس توسعه یافت و برخی از مدارس به کانون‌های مبارزاتی تبدیل شدند.

در این زمان فرهنگیان به عنوان کارمندان دولتی به همراه دانش‌آموزان به میدان مبارزه گام نهادند و مبارزه‌ی تا حدودی مخفی ماه‌های قبل و ترس از ساواک مفهوم خود را دیگر از دست داده بود. دانش‌آموزان و فرهنگیان علاوه بر تظاهرات و راهپیمایی‌های هر روزه که به آن در ادامه اشاره می‌شود، به ترویج اعتصابات می‌پرداختند. از این‌رو اگر این مرحله‌ی انقلاب یعنی رویدادهای مهر تا بهمن ۱۳۵۷ در ایلام را درگیری‌ها و مبارزه‌ی دانش‌آموزان و فرهنگیان بدانیم سخنی دور از انصاف نیست چرا که با رشد سواد بخصوص در لایه‌های زیرین اجتماع که در فصل قبل به آن اشاره شد، همخوانی دارد. آنان با شجاعت و شهامت مثال زدنی عرصه را بر رژیم شاه تنگ می‌کردند، اعلامیه‌های امام که به دست آنان می‌رسید در همه‌جا پخش می‌شد؛ گردانندگان مجالس شهدا بودند. در روز نهم مهر ۱۳۵۷ در اعتراض به محاصره منزل امام در نجف که منجر به هجرت ایشان از عراق به کویت گردید. در بیش‌تر شهرهای ایران راهپیمایی و زدوخورد میان

نیروهای مردمی و پلیس روی داد. در ایلام در دو نوبت راهپیمایی به اهتمام فرهنگیان و دانش‌آموزان برگزار شد.

در روز نهم مهرماه در ایلام تظاهرات و راهپیمایی‌هایی بر پا شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ج ۱۲: ۲۳۹) و در روز دهم مهرماه نیز تظاهرکنندگان علاوه بر دادن شعار بر ضد حکومت پهلوی به ادارات دولتی نیز حمله بردند (روزنامه اطلاعات، ۱۱/۷/۵۷: ۲۳) لذا به درخواست شورای تأمین استان در روز دهم مهرماه ۱۳۵۷، گروهان ضد اغتشاش وابسته به تیپ زرهی شاه‌آباد غرب به سرپرستی سروان محمدحسین منصوری به ایلام وارد شدند و در محل شیر و خورشید سرخ ایلام مستقر گردیدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۳۰۶).

در روز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۵۷، تظاهرات با کارگردانی فرهنگیان و دانش‌آموزان در ایلام جریان داشت در این ایام دانش‌آموزان به عنوان اعتراض و همدردی با فرهنگیان کرمانشاه از حضور در سرکلاس درس اجتناب کردند و در بعد از ظهر همان روز به همراه جوانان محله‌ی خیام دست به اعتراض زدند که با دخالت مأموران پلیس و با پرتاب گاز اشک‌آور متفرق شدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، جلد ۱۳: ۱۳۳).

محل نزاع عموم مردم و خاصه تظاهرکنندگان در این دیار، علاوه بر اهداف اصلی و انقلابی که همزمان با سایر کشور دنبال می‌شد، نارضایتی مردم از استاندار ایلام اصغر افراسیابی نیز دنبال می‌شد، ساواک ایلام در این خصوص چنین گزارش می‌دهد: «با توجه به این نامبرده قریب شش سال در استان ایلام اقامت دارد... در پیشگاه مردم استان هیچ‌گونه زمینه‌ی مساعدی نداشته... اهالی ایلام و خاصه تظاهرکنندگان از استاندار شدیداً ناراضی‌اند. چون هرج و مرج در سطوح فعلی به چشم می‌خورد و اکثر مدیران کل و رؤسای ادارات که سال‌ها در این منطقه خدمت می‌کنند، توانسته‌اند در پناه استاندار به عناوین مختلف به بیت‌المال دست درازی نمایند.» (همان: ۱۸۶)

چهلّم فاجعه ۱۷ شهریور که منجر به شهادت جمع کثیری از مردم مبارز تهران گردید، در ایلام انعکاس یافت و تظاهراتی با شرکت روحانیون از جمله آیت‌الله حیدری برگزار شد. ساواک در این خصوص گزارش می‌دهد که شیخ حیدری اظهار داشته است: «خودم جلوی تظاهرات خواهم بود و باید [انتقام] خون شهدا را بگیریم.» (همان: ۳۹۸) به مناسبت چهلّم حوادث ۱۷ شهریور ماه، در ۲۴ مهر ۱۳۵۷، حدود ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس ایلام از رفتن به کلاس خودداری کردند و در گروه‌های پراکنده در خیابان‌های بلوار، خیام، عبدلهی و برق ایلام، ضمن دادن شعارهایی به نفع امام خمینی تظاهرات نمودند که با دخالت مأموران پلیس بی‌درنگ متفرق

شدند. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۷/۲۵: ۴) در روز بیست و پنجم مهرماه ۵۷، دانش‌آموزان دختر دبیرستان پروین اعتصامی به همراه دانش‌آموزان مدارس خدمات اقبال و ماندانا به تظاهرات در خیابان واسطی، مینایی و خیام پرداختند، آنان هم‌چنین شعارهایی در حمایت از امام خمینی و آزادی، استقلال و حکومت اسلامی سردادند. آن‌ها با مداخله نیروهای پلیس متفرق شدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۵۵۲) در گزارش ساواک عده تظاهرات کنندگان، تعداد ۶۰ نفر از ۲۴۵ نفر دانش‌آموز دبیرستان پروین اعتصامی و ۶۰ نفر دختر «چادری» از مدارس خدمات اقبال و ماندانا ذکر شده است که البته می‌توان دخالت ساواک در تعمدی نشان دادن تعداد کم تظاهرکنندگان و استفاده از لفظ چادری برای برچسب قشری بودن آنان را حدس زد. در روز بیست و نهم مهرماه، عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های ایلام بعد از تعطیل شدن مدارس قصد اجتماع و تظاهرات در مقابل اداره‌ی آموزش و پرورش را داشتند که با دخالت مأموران پلیس به طرف خیابان پهلوی فرار کردند. دانش‌آموزان هنگامی که قصد حمله به مدارس و ادارات دولتی را داشتند، با مخالفت‌های عده‌ای از «اهالی» مواجه شدند. در نتیجه، درگیری رخ داد که فردی به نام حسن فتاحی در اثر پرتاب سنگ کشته شد. (همان: ۶۷۴) بخاطر شناسایی نیروهای ارتش و ساواک توسط مردم و برخورد متقابل در صورت کشتار مردم که در حوادث شهریورماه مشاهده شد، ساواک به سوءاستفاده از عشایر ناآگاه و روستائیان که موقع کشور و تحولات آن را درک نمی‌کردند، پرداخت. که در حوادث مثل ۲۹ مهر در مقابل نیروهای انقلابی می‌ایستادند. (مصاحبه با ستار شهبازی فر؛ روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۷۰). شاه نیز در یک جلسه خصوصی با امرای ارتش به این موضوع اشاره می‌کند:

«آگاهی از این عدم اعتماد و فرار سربازان و کشتار امرای ارتش به دست افراد شورشی ... جزو حوادث و جریان‌ات روزمره ارتش شده و آگاهی از این عدم اعتماد به نظامیان بود که ما ناچار برای سرکوبی جنبش مردم در شهرهای دورافتاده ایران دست به دامان ایلات و عشایر همان نواحی بشویم. البته این کار مستلزم دادن امتیاز به آن‌ها همان‌طور که می‌دانید از قبیل آزاد گذاشتن ایشان و وارد کردن مواد اجناس قاچاق از مرزهای جنوبی و غرب کشور و هم‌چنین دریافت مبالغ زیادی پول از دولت بود.» (خلیلی، ۱۳۸۹: ۲۳۵) ملاحظه می‌شود که در مقابل افزایش روزافزون تظاهرات مردم، نه تنها نیروهای ارتش و عوامل ساواک کارکرد خود را از دست می‌دهند، بلکه حتی این ترفند کارگر نمی‌افتد و در تظاهرات ماه‌های بعدی مردم با شدت و جمعیت بیشتری در راهپیمایی‌ها حضور می‌یابند. تظاهرات مهرماه که با ساماندهی و شرکت دانش‌آموزان، فرهنگیان و

دانشجویان به عنوان طبقه روشنفکر جامعه ایلام در آن روز برگزار شد در حقیقت اثبات ادعای فرضیه اصلی تحقیق است که فرهنگیان و دانشجویان در آگاهی‌بخشی و هدایت فعالیت‌های مردمی نقشی اساسی ایفا داشتند. به هر حال، طبقه متوسط جدید که کارمندان دولت اکثریت آن را تشکیل می‌دادند با شروع ماه آبان به اعتصابات روی آوردند، البته کارمندان دولت در ایلام نه تنها در جریان تحولات سال ۵۷، بلکه سال‌ها قبل از آن و با همراهی نکردن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نفرت خود را از تبعیض، بی‌عدالتی و فساد رژیم نشان داده بودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. بازپایی ۲۸۱) و اینک با شروع آبان ماه در کنار سایر مردم به تظاهرات و اعتصابات می‌پردازند.

فراگیری نهضت :

ماه آبان در حالی آغاز شد که درگیری‌ها در ایلام به اوج خود رسیده بود در دیگر شهرها جنب‌وجوشی مشاهده می‌شد و عوامل رژیم در مقابل کنش اعتصابی کارکنان دستگاه‌های دولتی و اشتراک مساعی آنان در برپایی تظاهرات به همراه سایر مردم، از کنترل اوضاع عاجز شده بودند و در موضع انفعالی قرار گرفته بودند. در اولین روز از ماه آبان فرهنگیان ایلامی همگام با سایر مردم از حضور در کلاس‌های درس خودداری کرده و به اعتصاب پرداختند. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۸/۲: ۲۳) در روز دوم آبان ماه، اعتصاب عده‌ای از کارکنان بهداری و بهزیستی استان ایلام وارد دومین روز خود می‌شد، کارکنان اعتصابی اعلام کرده‌اند تا زمانی که خواسته‌هایشان عملی نشود در اعتصابات باقی خواهند ماند (بولتن خبرگزاری پارس، ۵۷/۸/۳: ۳۱). در روز پنجم آبان ۵۷، تظاهرات اعتراضی مردم، با شلیک آتش مأموران دولتی مواجه شد و به خشونت گرایید، چند نفر زخمی شدند، یکی از افراد زخمی شده فردی به نام احمدی بود. مردم نیز به چند اداره‌ی دولتی، بانک، سینما حمله بردند و خساراتی را وارد نمودند. (همان، ۵۷/۸/۶: ۱۲)؛ روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۸/۶: ۲۳) لازم به توضیح است در خلاء مدارک متقن، مشکل بتوان مسبب خسارات به ادارات دولتی، نیروهای مردمی یا عوامل نفوذی دولتی در بین مردم را شناسایی کرد از طرفی در بولتن خبرگزاری پارس نیروهای «شورش‌ی و اخلا لگر» یا نیروهای مردمی را مسبب خسارت می‌دانند اما در قطعنامه‌ای که چندی بعد توسط اجتماع عظیم تظاهرکنندگان صادر می‌شود بر شناسایی و تعقیب عاملین خسارات بر بانک‌ها تأکید می‌شود.

در روزهای ششم و هفتم آبان ماه، مردم این دیار تظاهرات دیگری ترتیب دادند که مأموران انتظامی برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان مبادرت به شلیک تیرهوایی نمودند. در جریان این تظاهرات ۱۹ نفر زخمی شدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳، ج ۱۴: ۳۵۹). در بولتن خبرگزاری پارس درباره‌ی حوادث روزهای ششم و هفتم آبان ماه آمده است: «به دنبال تیراندازی‌ها و ناآرامی‌های دو روز گذشته در ایلام، امروز هم در بعضی از نقاط مختلف این شهر تیراندازی شد که تا ظهر ادامه یافت و طی برخوردهای مأموران با مردم حداقل ۶ نفر دیگر مجروح شدند. ۴ نفر از مجروحین به طور سرپایی مداوا شدند. هم اکنون ۱۵ نفر در بیمارستان شیر و خورشید ایلام بستری و تحت معالجه قرار دارند و گفته می‌شود وضع چند نفر از آن‌ها از جمله یک کودک ۹ ساله وخیم است. تعداد مجروحین حوادث دیروز و دیشب ایلام ۱۹ نفر بوده است.» (بولتن خبرگزاری پارس، ۵۷/۸/۸: ۳۲-۳۱).

در روز دهم آبان ماه، استادان و اعضای هیئت علمی دانشکده دامپروری ایلام وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه دست به اعتصاب غذا زدند. استادان و اعضای هیئت علمی این دانشکده که به علت عدم رسیدگی به خواست‌هایشان از دوم آبان‌ماه تاکنون در حال اعتصاب بوده‌اند، از همان روز دهم مرداد نیز به عنوان اعتراض به وقایع اخیر کشور به مدت ۴۸ ساعت در محل دانشکده دست به اعتصاب غذا زدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۶۱) اجتماع ده هزار نفری آموزگاران، دانش‌آموزان، کسبه و دیگر اقشار اجتماعی اهالی ایلام در مقابل کاخ دادگستری در روز ۱۳ آبان ماه منجر به صدور قطعنامه‌ای به شرح زیر شد:

«۱. آزادی زندانیان سیاسی ۲. بازگشت (امام) خمینی ۳. تشکیل حکومت اسلامی ۴. اخراج مستشاران آمریکایی و اسرائیلی ۵. قطع نفت و قطع رابطه با اسرائیل ۶. محاکمه و مجازات عاملان حادثه‌ی روز عید فطر در ایلام ۷. تحقیق درباره‌ی قتل حمید نصیری پلیس شهربانی ۸. تعقیب عاملین آتش‌سوزی بانک‌ها در روزهای ششم و هفتم؛ ۹. آزاد شدن شیخ تعمیرکاری و زندانیان ایلام ۱۰. رسیدگی به خواسته‌های کارمندان و برکناری و محاکمه استاندار، رئیس شهربانی، رئیس کلانتری و ستوان شریفی ۱۱. توجه به عمران و آبادی ۱۲. انحلال سازمان اطلاعات و امنیت و محاکمه‌ی مأمورین آن ۱۳. تعقیب آن دسته از مأمورین شهربانی که به طبقه روحانیون توهین نموده‌اند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۲، ج ۱۵: ۱۴۵) اجتماع کنندگان بعد از ساعت ۱۴ و پایان تظاهرات بدون دخالت پلیس متفرق شدند. روزنامه کیهان در مورد شمار اجتماع کنندگان عدد ۳۰ هزار نفر را ذکر کرده است که در پیشاپیش آنان آقایان حیدری ایلامی، سلطانی و

مروارید حرکت می‌کردند. (کیهان، ۱۴/۸/۵۷: ۸) و در گزارش ساواک عدد ۱۰۰۰۰ هزار نفر ذکر شده است.

در روز چهاردهم آبان ماه ۱۳۵۷، کارمندان اداره‌ی آموزش و پرورش ایلام به همراه کارمندان بهداری کل و دانشجویان دانشکده دامپروری ایلام، در محل اداره‌ی آموزش و پرورش اجتماع کردند. در این اجتماع برای نخستین بار یک مدیر کل_مدیر کل آموزش و پرورش_ با اصرار بعضی از حاضرین با شعار «زنده باد خمینی» همبستگی خود را با مردم و ریزش از حکومت نشان می‌دهد. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۱۴۵) تظاهرات در ایلام تا روز بیست و دوم آبان که خونین شد دنبال می‌شد. اما در روز بیست و دوم آبان ۵۷، در شهر ایلام تظاهراتی برپا شد که با شهادت ۲ نفر و مجروح شدن گروه کثیری همراه بود. خانم فاطمه [ربابه] کمالی که به تظاهرکنندگان در منزل خود پناه داده بود و جوانی به نام محمدرضا اقبالی هدف گلوله نیروهای انتظامی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. (روزنامه کیهان، ۱۴/۸/۱۳۵۷: ۸)

خانم ربابه کمالی در سال ۱۳۰۸ به دنیا آمد. مدتی به مکتب‌خانه رفت و به یادگیری قالی‌بافی، خیاطی و ... پرداخت، در جلسات مذهبی و درس موعظه شیخ احمد کافی که به ایلام تبعید شده بود شرکت می‌کرد، در خلال تظاهرات مردم ایلام علیه رژیم پهلوی همچون دیگران به مبارزه می‌پرداخت. در موقع تعقیب تظاهرکنندگان توسط نیروهای ارتش و شهربانی، مانع ورود آنان به خانه‌اش می‌شود و هدف گلوله‌ای قرار می‌گیرد، در عید قربان زخمی و در عید غدیر شهید می‌شود. (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام) در روز بیست و ششم آبان، تظاهرات دیگری با شرکت ۱۰۰۰ تن از اهالی ایلام در خیابان‌های خیام و سعدی برگزار گردید و شعارهایی بر ضد رژیم سر می‌دادند، تظاهرکنندگان با پرتاب سنگ به مأمورین حمله می‌کردند. مأمورین نیز برای پراکنده کردن آن‌ها مبادرت به تیراندازی می‌کردند. در جریان این تظاهرات یک نفر به نام علی‌نجات بسطامی آموزگار اداره‌ی آموزش و پرورش بر اثر اصابت گلوله زخمی شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴، ج ۱۶: ۲۷۹). ماه آبان نمونه‌ای خوب از ائتلاف دو طیف طبقه متوسط یعنی فرهیختگان و روحانیون در گسترش روند مبارزات است به گونه‌ای که سازماندهی آن‌ها در برگزاری تظاهراتی پرشور باعث اقناع مسئولین در اعلام حکومت نظامی شد. لذا روز بیست و نهم آبان، شورای تأمین استان ایلام تشکیل جلسه داد و به این نتیجه رسید که وجود حکومت نظامی در ایلام مناسب است. علت این امر، فقدان دادگاه نظامی در استان ایلام و

نداشتن سرعت عمل در تصمیم‌گیری نسبت به دستگیر شدگان عنوان گردید. در آن زمان استان ایلام از نظر قضایی زیر نظر دادسرای نظامی خرم‌آباد عمل می‌کرد. (همان: ۴۳۹)

وقایع آذرماه و بازتاب انقلاب در دیگر شهرستان‌ها :

رخدادهای آذرماه از اهمیت ویژه و سرنوشت‌سازی در جریان شکل‌گیری انقلاب و فرآیندهای خیابانی برخوردار است. وجود دهه‌ی محرم در این ماه بستر خوبی برای راه‌اندازی تظاهرات و مبارزه بود. استفاده سیاسی از ایام دینی در فرهنگ تشیع در ماه آذر کارکرد دوگانه‌ای به همراه داشت. اول، توانست تا اندازه‌ی از فشار نظامیان جلوگیری کند و خود به خود قوانین حکومت نظامی را بی‌اعتبار سازد. دوم به حکومت شاه و جهانیان فهماند که رژیم شاه هیچ‌گونه پشتوانه مردمی ندارد. به دنبال این رخدادها بود که دول غربی اگر چه ظاهراً از رژیم شاه حمایت می‌کردند اما همه فهمیدند که رژیم او رفتنی است و خود شاه نیز ناامید شد و تصمیم به ترک ایران گرفت. در حقیقت پایان آذرماه را باید پایان حکومت پهلوی دانست و از این زمان به بعد بود که شمارش معکوس برای سقوط آنان آغاز گردید. با این‌که هیچ یک از روزهای این ماه، بدون درگیری و خالی از مبارزه نبود، ولی به علت حاکمیت شدید سانسور، اطلاعات دقیق ما تنها به گزارش‌های دولتی محدود می‌شوند که متأسفانه تاکنون همه‌ی آنها به دست نیامده‌اند یا سازماندهی نشده‌اند. خاطرات افراد و حاضران در صحنه نیز اگرچه بسیار ارزشمند است، ولی به علت تنوع و تکرار هر روزی رخدادها درست قابل تاریخ‌گذاری نیستند. چکیده همه آن‌ها، درگیری با پلیس و جنگ و گریز، برپایی تظاهرات بعد از انجام فرایض دینی و مراسم سینه‌زنی است که در این روزها جریان داشته است. با این حال بر پایه اسناد موجود آنچه در این ماه رخ داد، به شرح ذیل است.

شیخ محمدتقی مروارید از روحانیون مبارز در ایلام با مسافرت به شهرستان‌های استان، آنان را به مبارزه علیه رژیم پهلوی تهییج می‌کرد. در شهرستان‌های استان که تا پیش از این هرچند به صورت پراکنده تظاهراتی در تاریخ هفدهم آبان ۵۷ در آبدانان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازبایی ۳۷-۳۴۵۰) و در تاریخ هیجدهم آبان ۵۷ در مهران (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازبایی ۳۸-۳۴۵۰) برگزار شده بود. اما با شروع ماه آذر و تشویق و تحریک روحانیون و ایراد سخن توسط شیخ محمدتقی مروارید در تاریخ ۵۷/۹/۳ در ایوان و بعد از آن در تاریخ ۵۷/۹/۴ در مهران اهالی تظاهراتی جدی به خصوص در شهر مرزی مهران برپا کردند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴، ج ۱۷: ۱۳۷) در تاریخ ششم آذرماه ۵۷ عده‌ای از اهالی شهرستان مرزی مهران به‌عنوان

اعتراض به عدم انجام خواسته‌های قبلی خود در مورد رسیدگی به عمل مأمورین ساواک راجع به دستگیری چهار نفر از اهالی محل، قصد تظاهرات آرام را داشتند که با تیراندازی مأمورین دولتی به خشونت گراییده شد که بیش از ۱۰ نفر از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله مجروح شدند (همان: ۳۳۸) که ۵ نفر از مجروحین به اسامی محمدعبداللهی، ناصر حسین‌زاده، علی‌عباس رحیمی، رحمان ساحدی‌پور و جواد عرب‌صیفی به بیمارستان ایلام انتقال یافتند. (روز شمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۹۸)

در روز پنجم آذرماه ۵۷ تعدادی در حدود یک هزار نفر در نقاط مختلف شهر ایلام به صورت جنگ و گریز مبادرت به تظاهرات نمودند. در اثر تیراندازی و پرتاب سنگ با دستگاهی به نام «قلماسنگ» ۳ نفر از مأمورین شهربانی و یک افسر مجروح شدند و همچنین یک نفر غیرارتشی بر اثر اصابت گلوله مجروح شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۲۱۸). هم‌چنین در این روز دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و مدارس در اعتصاب به سر می‌بردند. (همان: ۲۸۶) فرد مجروح شده در این حادثه قیصر مومنی نام داشت. قیصر مومنی در سال ۱۳۲۶ در روستای زرین‌آباد، شهرستان دهلران در استان ایلام چشم به جهان گشود. از نعمت خواندن و نوشتن به علت محرومیت‌های شدید قبل از انقلاب محروم ماند و در کنار پدر و مادر در روستا به کار ادامه داد. تا این که در سال‌های انقلاب در جریان راهپیمایی‌ها پر حرارت نشان می‌داد و در به ثمر رسیدن انقلاب زحمات فراوان کشید و در جریان مبارزات انقلاب جراحت برداشتند، پس از انقلاب وی در یگان مردمی و داوطلبانه عازم جبهه شدند تا در تاریخ ۶۴/۶/۴ به شهادت رسید. (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام) در پی حوادث و تظاهرات در روزهای پنجم و ششم در ایلام، به دستور مقدم رئیس ساواک، شیخ محمدتقی مروارید دستگیر و به تهران اعزام گردید. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۴۴۷) به دنبال ناتوانی رژیم در کنترل اوضاع، ساواک، بار دیگر به دنبال سوءاستفاده از روستائیان برمی‌آید که با هوشیاری عبدالرحمان حیدری ایلامی این توطئه بی‌اثر می‌شود در گزارش ساواک آمده است: در تاریخ دهم آذرماه ۵۷ رئیس پاسگاه ژاندارمری شیروان چرداول از کدخدایان محل دعوت می‌نماید که همبستگی خود را با رژیم شاهنشاهی و قانون اساسی اعلام نمایند که بساط کهزادی ماجرا را با آیت‌الله عبدالرحمن حیدری ایلامی در میان می‌گذارد، شیخ حیدری فوراً نامه‌ای به افرادی که به نفع رژیم تبلیغ کرده‌اند، ارسال و آن‌ها را تهدید می‌کند که از این نوع تبلیغات خودداری کنند. (همان: ۵۷۵) در روز ۵۷/۹/۱۲ اعتصاب در

مدارس همچنان ادامه داشته است و علاوه بر شهر ایلام، تمام مدارس در شهرستان‌های مهران و دهلران تعطیل بودند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴، ج ۱۸: ۱۹۱)

دی ماه و ادامه مبارزات :

مردم و نیروهای مذهبی ایلام، دی ماه را در حالی آغاز کردند که با وجود شدت عمل نظامیان و دستگیری شماری از تظاهرکنندگان و مبارزان شهر، همچنان مصمم‌تر از قبل به مبارزه ادامه می‌دادند. گزارش‌های موجود گویای ابتکار عمل آنان و ناتوانی نظامیان است. مردم ایلام، دی ماه را با اعلامیه‌ای دست‌نویس به امضاء و عاظ مخالف رژیم به نام عبدالرحمن حیدری، محمدتقی مروارید، عباس سلطانی، محمدتعمیرکاری و حسن الهی خطاب به اهالی استان ایلام و پشتکوه آغاز می‌کنند که خلاصه آن به شرح زیر است :

«مردم مسلمان و مبارز ایلام و پشتکوه درود خداوند بر شما که اتحاد و یکپارچگی خود را با تمام مصائب ثابت کرده و آلت دست دستگاه‌های ظلم و فساد نشده و پیوند ناگسستنی خود را با نهضت اسلامی مراجع عالیقدر تشیع و روحانیت ایلام به اثبات رسانیدند. ما ضمن تشکر و قدردانی از شما مردم بیدار دل در شهر و قصبات، [که] جنایات و اعمال وحشیانه حکومت طاغوتی این رژیم را بر ملا ساخته و خواستار نظام اسلامی هستید و راه عدل اسلامی به رهبری امام خمینی را پیشه ساخته‌اید،] متشکریم. شماها از حيله‌ها و نقشه‌های رژیم آگاه [شوید] و آن را بی‌اثر سازید و بی‌اعتمادی خویش را نسبت به دستگاه جبار نشان دهید و نیز به شما هشدار می‌دهیم در فکر پیدا کردن دسته‌ای برای خرابکاری و غارت در شهرهای استان ایلام نباشید و افراد پلیس را با لباس محلی به خیابان‌ها نکشانید چون ما هم متقابلاً به مقابله برخاسته و آن‌ها را به سزای اعمال‌شان خواهیم رساند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵، ج ۲۲: ۷۳؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، همان: ۲۹۷) در روز ۵/۱۰/۵۷ در نقاط مختلف شهر ایلام تظاهراتی از سوی مردم برگزار شد که تا ساعت دو بعدازظهر روز بعد ادامه داشت. ساواک در خصوص این تظاهرات، گزارشی به شرح زیر آورده است :

«از ساعت ۲۱ در نقاط مختلف شهر ایلام اخلاالگران و آشوب‌طلبان به منظور ایجاد رعب [و] وحشت اهالی مبادرت به تیراندازی و انفجارهایی نموده که تا ساعت دو [۲:۰۰] روز ۶/۱۰/۵۷ ادامه داشته است. خیابان خیام و اطراف آن نزدیک به ۲ ماه می‌باشد که به وسیله اخلاالگران

مسدود، و پلیس دخالت و نفوذی در آن منطقه ندارد. و از ساعت ۲۱ هر شب اکثر خیابان‌ها به وسیله‌ی افراد اخلاص‌گر که مسلح به سلاح گرم و سرد می‌باشند بسته و موجب مزاحمت برای اهالی می‌گردند. مأمورین انتظامی طی ۲ الی ۳ روزی که این عملیات ادامه دارد دخالت چندانی نداشته و به همین سبب عملیات مذکور هر شب وخیم‌تر می‌گردد. ضمناً گفته شده مواد منفجره مذکور از لوله‌های سه راهی ساخته شده که در آن فتیله باروتی نیز تعبیه گردیده، در جریان اقدامات فوق خسارات مالی و جانی به وجود نیامده است.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۲۴۱)

تا روز چهاردهم دی ماه مردم در چند نوبت دیگر اقدام به تظاهرات کردند که در طی این تظاهرات دو نفر به اسامی هادی سلیمان‌نژاد و صادق پنج‌ستونی مجروح شدند. (بولتن خبرگزاری پارس، ۱۰/۱۰/۱۳۵۷: ۸) اما حادثه روز ۱۴/۱۰/۵۷ منجر به درگیری و کشته شدن دو تن از نیروهای شهربانی شد. در گزارش ساواک آمده است:

«روز چهاردهم دی ماه، گروهی از معترضان منزل دو تن از مأموران شهربانی ایلام به نام‌های رستم فتاح و قیصر ناصری را به آتش کشیدند و سپس قصد تخریب پیکره‌ی رضاشاه را داشتند که با دخالت مأموران انتظامی متفرق شدند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶، ج ۲۳: ۱۹۸) به دنبال این حادثه، و ناتوانی نیروهای امنیتی در کنترل مردم و شدت فعالیت‌های مردمی و کنترل شهر توسط مردم، ساواک ایلام، خواستار اعزام یک واحد ارتش به این منطقه شد. (همان: ۲۰۰)

به بار نشستن اعتصابات:

با سقوط دولت ارتشبد از هاری و پایان حکومت نظامی، ایلام جزو اولین شهرهایی بود که مردم حراست آن را بر عهده گرفتند. در گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از ایلام آمده است که: «مردم حراست از چند خیابان را در این شهر برعهده گرفته‌اند و در بسیاری از خیابان‌های ایلام اجرای مقررات ساعات منع عبور و مرور در شب به وسیله مردم هم‌چنان ادامه دارد و اهالی با تعیین پست‌های نگهبانی از منازل و اموال خود حراست می‌کنند. این خبرگزاری در پایان افزود در بعضی خیابان‌های ایلام از ساعت ده شب تا هفت صبح عبور و مرور ممنوع است و رفت‌وآمد در این خیابان‌ها به وسیله‌ی پاسداران غیرنظامی به شدت کنترل می‌شود.» (بولتن خبرگزاری پارس، ۱۷/۱۰/۱۳۵۷: ۱۲) در روز ۱۸ دی ماه ائتلافی متشکل از تمامی اقشار از جمله روحانیون، استادان دانشگاه، معلمین و دیگر اقشار ایلام از ساعت ۳ بعدظهر در مسجد جامع گرد هم آمدند و

پس از سخنرانی در زمینه حفظ همبستگی در ساعت ۱۷:۳۰ به آرامی متفرق شدند. (روزنامه کیهان، ۱۹/۱۰/۱۳۵۷: ۱؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان: ۴۲۰) هم‌چنین روحانیون و معتمدین محلی در ایلام دادگاه اسلامی تشکیل دادند که به دعاوی و اختلافات مردم در ایلام از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ و از ساعت ۳ بعدازظهر تا ۵ براساس قوانین اسلام رسیدگی می‌کرد. (بولتن خبرگزاری پارس، ۱۸/۱۳۵۷/۱۸۱۰)

در روز ۱۹ دی‌ماه قضات و کارکنان دادگستری ایلام اعلام کردند در اعتراض به کشتار مردم از امروز تا ۲۳ دی‌ماه در اعتصاب به سر خواهند برد. پزشکان ایلامی نیز در ضمن اعتراض به وقایع بیمارستان شاهرضا (امام رضا مشهد) اعلام کردند به مدت یک هفته بیماران را به رایگان درمان خواهند کرد. (روزنامه کیهان، ۲۰/۱۰/۱۳۵۷) روز ۲۳/۱۰/۱۳۵۷ کارکنان اداره‌ی برنامه و بودجه و کمیته پیکار با بی‌سوادی استان ایلام نیز اعلام کردند به منظور پشتیبانی از نهضت مردم ایران به مدت یک هفته اعتصاب می‌کنند. (روزنامه اطلاعات، ۲۴/۱۰/۱۳۵۷: ۲۴)

در روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۵۷، کارکنان ادارات مسکن و شهرسازی، کشاورزی، سرچنگلداری، دارایی و امور اقتصادی و توسعه و تجهیز مدارس استان ایلام، اعتصاب یک هفته‌ای خود را اعلام کردند. کارکنان بهداری و بهزیستی این استان نیز در اطلاعیه‌ای وزیر جدید بهداری را غیرقانونی دانستند و اعلام کردند وی را به رسمیت نمی‌شناسند. (روزنامه اطلاعات، ۲۶/۱۰/۱۳۵۷: ۶)

در روز ۲۵ و ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷، دستجات ۵۰۰ نفری از تظاهرکنندگان که تعدادی از آنان مسلح بودند، در خیابان‌های این شهر دست به تظاهرات زدند و مبادرت به تیراندازی هوایی نمودند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶، ج ۲۴: ۹۸) و شادی خود را از فرار شاه با وجد و پایکوبی و شلیک تیر هوایی در خیابان‌ها آشکار می‌کردند.

سقوط نظام استبدادی:

در بهمن‌ماه برخلاف ماه‌های قبل که تظاهرکنندگان با برپایی راهپیمایی، ایجاد آتش‌سوزی و حمله به نیروهای نظامی، درگیری‌ها را ایجاد می‌کردند و می‌کوشیدند تا حکومت را به بی‌ثباتی بکشانند، در این ماه چون مردم تا اندازه‌ای کنترل اوضاع را به دست گرفته بودند و نیروهای نظامی و امنیتی در اقلیت قرار داشتند، از این‌رو نظامیان بر آن بودند تا جامعه را به آشوب بکشند. برای خنثی کردن این عمل، گروهی را که عناصر مردمی و مذهبی تحت عنوان «گروه مستضعفین زمین» مبادرت به تشکیل آن کرده بودند و شاخه‌ای از آن در ایلام به فعالیت ادامه می‌داد. درصدد ضربه

زدن و ترور پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی و پلیس برمی‌آیند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۳۷).

در اول بهمن‌ماه و در آستانه‌ی فروپاشی نظام شاهنشاهی روحانیون ایلامی، آیت‌الله عبدالرحمن حیدری و محمدتقی مروارید به همراه سایر روحانیون غرب کشور پیامی برای مردم منتشر کردند، در این پیام آمده است: مردم دلیر و شجاع و عشایر سلحشور غرب کشور: «اکنون که کشور اسلام حساس‌ترین مراحل تکامل مبارزات حق‌طلبانه خود را پشت سر می‌گذارد، هوشیاری و زمان‌سنجی بیش از هر وقت دیگر ضرورت دارد. نظام جبارانه شاهنشاهی به بهای خون فرزندان رشیدمان به اضمحلال کشیده شده، و جمهوری عدل اسلامی به بهای مجاهدت و ایثار وارثان خون شهیدان تکوین می‌یابد. بر ملت مسلمان فرضیه است که با دقت هر چه بیشتر متن اعلامیه‌ی زعیم کبیر حضرت آیت‌الله خمینی (ره) را بررسی نموده، دستورات را بی‌درنگ اجرا نمایند. جامعه روحانیت غرب کشور از عموم مردم بازار، دوایر دولتی و خصوصی، افسران و درجه‌داران، شاگردان، دانش‌آموزان و دانشجویان، دعوت می‌کند، ضمن اعلام برای هرگونه فداکاری و خدمتگزاری به اسلام، در آستانه بازگشت زعیم بزرگ به کشور، موارد زیر را با مخابره تلگراف، درج در روزنامه، انتشار بیانیه و طومار و هر وسیله‌ی لازم دیگر عمل نموده، به اطلاع عموم برسانند:

- ۱- به نمایندگان غرب در مجلس غیر قانونی و وزرای دولت غاصب و اعضای شورای سلطنت ارتجاعی اخطار می‌شود که فوراً کناره‌گیری نمایند و به ملت مبارز و ستم‌دیده خود بپیوندند.
- ۲- همبستگی ملت با مجاهدان هوانیروز، در کلیه‌ی پایگاه‌های کشور خصوصاً برادران مسلمان و مجاهد هوانیروز در قهرمانشهر (کرمانشاه) که به پشتیبانی ملت و برای آزادی همافر مجاهد علی-صغر روحبخش اعتصاب غذا کرده‌اند، اعلام گردد.
- ۳- ضمن تقدیر از مجاهدت‌های آن دسته از افسران و درجه‌داران ارتش و شهربانی و ژاندامری که در خط مقدم جبهه از اهداف مقدس ملت ستم‌دیده دفاع مسلحانه می‌نمایند، از عموم افراد شریف قوای نظامی و انتظامی کشور دعوت می‌شود که در حفظ انتظامات بکوشند که ملت از آنان جدا نیست و آنان از ملت جدا نمی‌باشند. ۴- مردم مبارز با صبر و استقامت بی‌نظیری که در رویارویی مشکلات از خود نشان داده‌اند، توطئه اغفال روستانشینان مستضعف را همانند صدها توطئه‌ی دیگر به نحو مطلوب خنثی نمایند که به یاری پروردگار متعال این توطئه خود مقدمه و ارشاد و آگاهی روستانشینان خواهد بود.» (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۴۰)

آنچه در گزارش‌های بهمن ماه در خور اندیشیدن است، نه تظاهرات خیابانی، بلکه شکل‌گیری نهادهای مردمی و انقلابی توسط مبارزان شهر است. این هسته‌های مردمی بیش‌تر در زمینه امنیت، خدمات شهری، قضاوت و شکایات مردمی و مبارزه با عناصر فرصت‌طلبی که می‌کوشیدند با حضور در میان مردم مبارزه را به بیراهه بکشانند، فعالیت می‌کردند و در پایان، همین نهادهای مردمی به نام کمیته‌های انقلاب اسلامی نمود یافتند.

در روز ۱۲ بهمن در ایلام به مناسبت ورود امام خمینی به ایران، مردم به خیابان‌ها آمدند و ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف به طرفداری از امام خمینی علیه دولت بختیار شعار دادند. و کارناوال‌های شادی پس از روزها تظاهرات و سوگواری در خیابان‌ها به راه افتاد و مردم ورود امام را جشن گرفتند. (روزنامه کیهان ۵۷/۱۱/۱۲: ۷). در واقع هنگامی که آیت‌الله خمینی برای به دست گرفتن انقلاب به کشور بازگشت، رژیم پهلوی در شهر ایلام هیچ نفوذی نداشت و شهر ایلام برعکس شهرهای دیگر، شب در دست مردم بود و توسط ستاد مرکزی که در منزل آیت‌الله حیدری بود، اداره می‌شد مردم به نوبت به کشیک می‌پرداختند. هر محله اسامی کشیک آن محله را به ستاد می‌فرستاد، و تابلوهای ایست و بازرسی در ساعت مقرر در محله برپا می‌شد (علیزاده و همکاران، همان: ۲۰۵). سرانجام همزمان با ورود امام در بهمن‌ماه، آیت‌الله حیدری با آمدن به خیابان پیروزی انقلاب را در این دیار قبل از پیروزی رسمی در ۲۲ بهمن اعلام می‌دارد. به دلیل کنترل کامل نیروهای مردمی بر شهر، شدت و حدت تظاهرات در بهمن ماه در ایلام فروکش می‌کند تنها در روز ۵۷/۱۱/۱۷ مردم ایلام در حمایت از حکم امام در انتخاب بازرگان به نخست‌وزیری دست به تظاهرات زدند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۳۲۳) در همین روز و به همین مناسبت مردم ایلام با تهیه طومارهایی حمایت خود را از دولت موقت اعلام کردند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۱۸: ۳)

نتیجه‌گیری:

در دوره‌ی پهلوی دوم و بعد از برنامه اصلاحات ارضی، مدرنیسم پهلوی که نمود بارز آن در این منطقه ایجاد مدارس و گسترش سوادآموزی بود، نقش مهمی در دگرگونی‌های ایلام ایفا کرد. سواد در میان مردم نهادینه شد، روند مهاجرت به شهر و پدیده شهرنشینی در اثر جاذبه‌های زندگی شهری رونق گرفت. به دنبال شهرنشینی، گسترش آگاهی و توسعه کمی سواد، قشر جدیدی از تحصیل‌کردگان به وجود آمد که توسعه اجتماعی، سیاسی و رفع تبعیض و بی‌عدالتی شعاری بود که بر سر زبان آن‌ها افتاد و خواسته‌های نوینی را در میان‌شان پدید آورد. این خواسته‌ها ریشه در اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی داشت که به تدریج زمینه حضور مردم این دیار در فعالیت‌های انقلابی را فراهم آورد. طبقه متوسط شکل گرفته به اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور رویکردی متفاوت داشتند، عده‌ای نقش مجریان حکومتی داشتند و گروهی دیگر بی‌تفاوت بودند اما اکثر آن‌ها نسبت به وضع موجود ناخشنود بودند و کمال مطلوب خود را در دگرگونی می‌یافتند این گروه در دوران انقلاب یکی از کارگردانان صحنه انقلاب در ایلام بودند. طیف دیگر طبقه متوسط یعنی روحانیون گذشته از نقش و کارکرد سنتی در جامعه کشاورز و دامپرور ایلام که همواره مورد احترام و ارزش اجتماعی چشم‌گیری بوده‌اند در دوران انقلاب گرایش سیاسی روحانیون ایلامی نمود بیشتری پیدا کرد. روحانیون بومی و تبعیدی در این منطقه از جمله عبدالرحمان حیدری ایلامی، محمد تعمیرکاری، محمدتقی مروارید و عباس سلطانی یا از شاگردان عبدالکریم حائری بودند و در حوزه‌ی قم درس خوانده بودند یا مثل آیت‌الله حیدری ایلامی در نجف اشرف در جلسات درس آیت‌الله خمینی شرکت کرده بودند. این روحانیون دو کار عمده را انجام دادند که در نهادینه کردن نهضت روحانیون ایران در ایلام تأثیر داشت.

-با برقراری پیوند نزدیک با رهبری و همکاری موثر و صادقانه به ترویج نهضت اسلامی می‌پرداختند

-با استفاده موثر از تریبون‌های مساجد و تکایا، مرکزی برای فرماندهی و سازماندهی توده‌های مردم شهرنشین فراهم کردند.

با شروع مبارزه علنی در سالهای ۵۶ و ۵۷ ائتلاف و همکاری این دو گروه در کارگردانی مبارزات نقش بسزایی داشت. شهریور ۵۷ اوج همکاری مبارزاتی این دو گروه است. در روز عید فطر مردم

پس از اقامه نماز عید سعید فطر دست به اعتراضاتی وسیع زدند که دخالت مأمورین انتظامی و ساواک به خشونت گراییده شد و اسامی نخستین شهدای ایلام در تاریخ انقلاب ثبت شد. تداوم برگزاری تظاهرات و اعتراضات که به دستگیری و تبعید روحانیون منجر شد، این فرهنگیان و دانشجویان بودند که در غیاب و دستگیری روحانیون با سخنرانی و پخش اعلامیه مبارزه را ادامه می دادند. به هر روی مردم با شرکت در فعالیت‌های انقلابی و حضور همه روزه در تظاهرات همزمان با سایر مردم کشور در مبارزه با استبداد به ایفای نقش پرداختند که در این راه تعدادی شهید، مجروح، زندانی و تبعید شدند و از این طریق حضور خود را در پیروزی انقلاب نشان دادند. مضافاً، این نگرش همدلانه و همگرایانه با سایر مردم کشور باعث شد که حکومت پهلوی در این استان خیلی زودتر از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نفوذ خود را از دست بدهد و بافت اداری و نیروی انسانی دست نخورده باقی بماند که در صحنه‌ای دیگر از انقلاب یعنی میدان جنگ تحمیلی که آن هم توطئه‌ای برای ناکام گذاشتن انقلاب بود، کارکرد خود را نشان بدهد.

منابع:

الف: اسناد منتشر نشده:

- ۱- سازمان اسناد ملی، موضوع سند: تعطیل عمومی روز ۲۱ آذر در حمایت از دکتر مصدق در تعدادی از شهرستان‌ها، ش بازیابی ۲۹۰-۴۰۳۶
- ۲- سازمان اسناد انقلاب اسلامی، موضوع سند: طرح ضربت ساواک به عشایر، ش بازیابی: ۹۰-۱۶۰۰
- ۳- -----، موضوع سند: دستگیری عناصر و عواملی که به عراق رفته و دوره‌ی تعلیمات چریکی دیده‌اند، ش بازیابی: ۱۱۷-۱۶۰۰.
- ۴- _____، موضوع سند: خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری حوزه استحفاظی دهلران، ش بازیابی ۸۵-۱۶۰۵.
- ۵- _____، موضوع سند: تبعید شیخ کافی به ایلام، ش بازیابی: ۱۱۵-۱۳۱۲.
- ۶- _____، موضوع سند: تمدید مدت مأموریت گروهان اعزامی از کرمانشاه، ش. بازیابی ۵-۱۷۴۴.
- ۷- _____، موضوع سند: عدم همکاری ادارات دولتی در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، ش بازیابی ۲۸۱۱.
- ۸- _____، موضوع: تظاهرات در شهر آبدانان، ش بازیابی ۳۷-۳۴۵۰.
- ۹- _____، موضوع: تظاهرات در شهر مهران، ش بازیابی ۳۸-۳۴۵۰.
- ۱۰- آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام.

ب- اسناد منتشر شده

- ۱- اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۲- امام در آئینه اسناد ساواک به روایت شهربانی، ۱۳۸۳، ج ۵، تهران، تدوین و نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- ۳- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸، ج ۵، ۶، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۴- -----، ۱۳۷۹، ج ۷، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۵- -----، ۱۳۸۰، ج ۸، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.

- ۶- -----، ۱۳۸۱، ج ۱۰، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۷- -----، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ۱۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۸- -----، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ۱۴، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۹- -----، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ۱۷، ۱۶، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۱۰- -----، ۱۳۸۵، ج ۲۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۱۱- -----، ۱۳۸۶، ج ۲۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۱۲- تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۷، ج ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ۱۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰، ج ۴۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- ت- تحقیقات جدید:**
- ۱- خبرگان ملت، شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰، ج ۲، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان.
- ۲- خلیلی، اکبر، ۱۳۸۹، گام به گام با انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران، سروش، انتشارات صدا و سیما، چاپ چهارم
- ۳- روز شمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۷، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ اول.
- ۴- روز شمار انقلاب اسلامی، به کوشش پرویز سعادت، ۱۳۸۲، ج ۸، تهران، سوره مهر، چاپ اول.
- ۵- روشه، گی، ۱۳۸۷، تغییرات اجتماعی، مترجم منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- ۶- علیزاده، علی و ابراهیم زاده، حسن، ۱۳۷۷، سیمای ایلام سرای صداقت، قم، انتشارات عصمت.
- ۷- فوران، جان، ۱۳۸۶، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، مترجم احمد تدین، تهران، رسا، چاپ هفتم.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۰، گذری بر انقلاب ایران، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران.
- ۹- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، گزارش حوزه سرشماری ایلام.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، گزارش حوزه سرشماری شهرستان ایلام.
- ۱۱- میلانی، محسن، ۱۳۸۱، شکل گیری انقلاب اسلامی، مترجم مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو، چاپ ششم.

۱۲- یزدی، ابراهیم، ۱۳۷۹، آخرین تلاشها در آخرین روزها، تهران، انتشارات قلم.

ث- مقالات:

۱- حیدری، محمد، ۱۳۷۹، «زندگی آیت الله حیدری ایلامی»، ایلام، فرهنگ ایلام، شماره دوم، صص (۲۳-۸).

۲- زندگی نامه و وصیت نامه مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس سلطانی، تهیه و تنظیم: پایگاه مقاومت شهدای محراب اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی استان ایلام نسخه دست نویس

ج- روزنامه‌ها:

۱- بولتن خبرگزاری پارس سال ۱۳۵۷.

۲- روزنامه آیندگان سال ۱۳۵۷.

۳- روزنامه اطلاعات سال ۱۳۵۷.

۴- روزنامه کیهان سال ۱۳۵۷.

ح- سایت‌های اینترنتی

۱- عبدالمحمود عبداللهی اصفهانی، سوابق فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی:

<http://www.khobreganrahbari.com/...>

خ- مصاحبه

۱- مصاحبه با ستار شهبازی فر از فعالین دوران انقلاب و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش.